



## بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) - 14 خرداد/ 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين المكرمين سيما بقيّة الله في الارضين.

این اجتماع بزرگ هرساله دارای یک هدف مهم و مورد نیاز ملت ایران است، و آن عبارت است از تجدید یاد امام بزرگوار و بهره‌گیری از درس امام بزرگوار برای پیشرفت کشور و اداره‌ی کشور و تعقیب اهداف بلند انقلاب؛ یا از درس امام استفاده کنیم که در بیانات ایشان و در نوشته‌های ایشان در دسترس ما و در اختیار ما است، یا از ابعاد شخصیت امام بهره‌مند بشویم که خود این ابعاد شخصیت برجسته‌ی بی‌نظیر امام بزرگوار، هر کدام درسی است برای ما.

امروز هم من از نگاه امام بزرگوار، از زاویه‌ی دید امام بزرگوار، میخواهم [راجع] به دو موضوع مهمی که در فاصله‌ی خرداد گذشته تا امروز اتفاق افتاده است، کلماتی را عرض کنم، مطالبی را بیان کنم. این دو موضوع، یکی مسئله‌ی فلسطین است که امروز مسئله‌ی اول دنیا است و با یک حمله‌ی عظیم مردمی آغاز شد و دنباله‌های آن تا امروز چشم دنیا را متوجه خود کرده است و آن را به مسئله‌ی اول دنیا تبدیل کرده است؛ یکی هم حادثه‌ی تلخ فقدان رئیس‌جمهور عزیز و مغتنم ما است (۲) که آن هم حادثه‌ی بزرگی است و هم در دایره‌ی داخلی کشور، هم در عرصه‌ی جهانی، شهادت رئیس‌جمهورمان و همراهانشان پیامدهایی دارد، و یکی از مسائل مهم تاریخ انقلاب محسوب میشود. راجع به این دو موضوع از زاویه‌ی نگاه امام میخواهیم نگاه کنیم و بحث کنیم؛ بعد هم البته ان شاء الله درباره‌ی مسئله‌ی انتخابات و این وظیفه‌ی ملی و عمومی‌ای که در زمینه‌ی انتخابات داریم، چند کلمه‌ای عرض خواهم کرد.

یکی از برجسته‌ترین درسها و رویکردهای امام را ما در قضیه‌ی فلسطین مشاهده میکنیم؛ امام بزرگوار از روز اول شروع نهضت اسلامی، بر روی مسئله‌ی فلسطین تکیه کردند، مطالبی گفتند، آینده‌نگری‌ای کردند و راهنمایی‌هایی به ملت‌های مسلمان و به خود ملت فلسطین کردند. آنچه امام بزرگوار درباره‌ی آینده‌ی فلسطین از پنجاه سال قبل یا بیشتر پیش‌بینی کرده بودند، امروز بتدریج در حال تحقق یافتن است؛ این روشن‌بینی امام در مسئله‌ی فلسطین، موضوع بسیار مهمی است که بعد توضیحی عرض خواهم کرد. البته این روشن‌بینی و آینده‌نگری و دقت نظر امام بزرگوار در حوادث، مخصوص مسئله‌ی فلسطین نبود؛ در بسیاری از قضایای جاری و مهم کشور، نظر امام، نگاه دقیق امام، روشن‌بینی امام در جلوی چشم کسانی که آنها را شنیده بودند تحقق پیدا کرد که نمونه‌های زیادی دارد. یک نمونه همان روزهای اول نهضت است؛ آن روزی که نهضت اسلامی به رهبری امام بزرگوار اولین گامهای خودش را برمیداشت و رژیم طاغوت در فیضیه‌ی قم، در خیابانهای قم، در تهران، هر حرکتی را با شدت و بی‌رحمی تمام سرکوب میکرد، در یک چنین شرایطی که مبارزین تعداد اندکی بودند و طرف مقابل هم یک رژیم جبار و بی‌رحم بود، ایشان خطاب به ماها که آن روز طلبه‌های جوانی بودیم، فرمودند «اینها رفتنی هستند، شما میمانید». (۳) آن روز کسانی که اهل تحلیل بودند، اهل مطالعه‌ی مسائل گوناگون کشورها و مبارزات و مانند اینها بودند، از این جور سخنی تعجب میکردند؛ ایشان گفتند و همین هم شد.



یک نمونه‌ی دیگر در اواخر دوران عمر بابرکت این بزرگوار است و آن، مطلبی است که ایشان در نامه‌ی به رئیس شوروی سابق نوشتند، (۴) که این جزو عبارات ماندگار تاریخی است. آن روز که شوروی سابق در اوج شوکت و اعتبار به نظر میرسید، ایشان گفتند که صدای شکستن استخوانهای رژیم کمونیستی را می‌شنوند؛ هیچ‌کس آن روز تصوّر چنین وضعی را نمیکرد؛ ایشان گفتند، و خیلی نگذشت که آنچه ایشان پیش‌بینی کرده بودند اتفاق افتاد.

امام در قضیه‌ی فلسطین، با این نگاه، با این دید وارد قضایا شدند. آنچه حاصل و خلاصه‌ی خواسته‌ی امام بزرگوار در باب فلسطین بود، این بود که دل به مذاکرات سازش بسته نشود. دل نبندند، امیدوار نباشند به اینکه بتوانند با مذاکرات سازش، مشکل فلسطینی‌ها را حل کنند و در مسئله‌ی فلسطین به یک نقطه‌ی عادلانه برسند؛ این خلاصه‌ی حرف امام بود. ایشان معتقد بود باید خود مردم فلسطین در میدان عمل حقّ خودشان را بگیرند و دشمن را، یعنی رژیم صهیونیست را وادار به عقب‌نشینی کنند، او را تضعیف کنند، و همه‌ی ملت‌های دنیا و بالخصوص دولتهای مسلمان از فلسطینی‌ها حمایت کنند؛ ایشان همیشه تکرار میکردند که اگر ملت‌ها وارد میدان بشوند، خود فلسطینی‌ها اقدام کنند و کمر به عمل ببندند، اگر این‌طور شد، رژیم صهیونیست وادار خواهد شد به اینکه عقب‌نشینی کند؛ امروز این اتفاق افتاده است؛ که من حالا توضیح خواهم داد.

فلسطینی‌ها در ماجرای طوفان‌الاقصی وارد میدان شدند، عمل کردند، اقدام کردند و دشمن را در کنج میدانی قرار دادند که هیچ راه فراری و وسیله‌ی نجاتی برایش وجود ندارد. بله، آمریکا از رژیم صهیونیست حمایت میکند، بسیاری از دولتهای غربی حمایت میکنند اما همه هم اعتراف میکنند و قبول دارند که شرایطی که برای حکومت صهیونیست به وجود آمده است، شرایطی است که راه نجاتی برای آن رژیم وجود ندارد. در باب این حرکت عظیم مردم فلسطین من در اینجا چند جمله‌ای توضیح عرض میکنم.

دو نقطه‌ی اساسی در حادثه‌ی طوفان‌الاقصی وجود دارد که باید به آن توجه کرد؛ دو نقطه‌ی اساسی و مهم. یک نقطه این است که این عملیات طوفان‌الاقصی که در پانزدهم مهر گذشته اتفاق افتاد، دقیقاً مورد نیاز منطقه بود؛ منطقه‌ی ما به این عملیات نیاز داشت؛ این پاسخ به یک نیاز بزرگ منطقه بود که شرح خواهم داد. نقطه‌ی دوم این است که این عملیات یک ضربه‌ی تعیین‌کننده‌ای به رژیم صهیونیست بود؛ ضربه‌ای که هیچ‌علاجی برای آن وجود ندارد، و رژیم صهیونیست بر اثر این ضربه دچار ابتلائاتی شده است که از این ابتلائات نجات پیدا نخواهد کرد.

اما آن نقطه‌ی اول که گفتیم عملیات طوفان‌الاقصی دقیقاً در لحظه‌ی نیاز منطقه اتفاق افتاد، توضیحش این است که یک نقشه‌ی جامع وسیعی به وسیله‌ی آمریکا و عناصر صهیونیست و دنباله‌های آنها و بعضی از دولتهای منطقه طراحی شده بود که بر اساس این نقشه‌ی جامع قرار بود مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند. ارتباط رژیم صهیونیستی با دولتهای منطقه طبق خواسته‌ی خود آن رژیم تنظیم بشود و معنایش تسلط رژیم صهیونیستی بر سیاست و اقتصاد کلّ منطقه‌ی غرب آسیا بلکه کلّ دنیای اسلام بود؛ یک برنامه‌ی وسیعی را طراحی کرده بودند که این نتیجه‌اش بود. این برنامه را با مقدمات زیادی پیش برده بودند؛ آمریکا پشت سر این برنامه بود، انگلیس پشت سر این برنامه بود، جامعه‌ی صهیونیست‌های جهانی پشت سر این برنامه بودند، بعضی از دولتهای منطقه با جدّیت در این برنامه همکاری میکردند؛ این برنامه به لحظه‌های پایانی خودش رسیده بود؛ یعنی چیزی نمانده بود که این برنامه و نقشه‌ی بلندمدت به مرحله‌ی اجرای عملی برسد. در یک چنین لحظه‌ی حسّاسی حمله‌ی طوفان‌الاقصی آغاز شد و همه‌ی نقشه‌های دشمن را بر باد داد. طوفان پانزدهم مهر نقشه‌ی با دقت طراحی‌شده‌ی دشمن را باطل کرد و



با وضعی که در این هشت ماه پیش آمده است، امیدی هم به اینکه بتوانند این نقشه را دوباره احیا کنند چندان وجود ندارد. کار بزرگ مهمی انجام گرفت.

اینکه شما می‌بینید رژیم صهیونیستی با چنین شدتی و قساوتی به مردم بی‌دفاع غزه حمله میکند، واکنش عصبی رژیم به باطل شدن آن نقشه است. اینکه می‌بینید دولت آمریکا در مقابل چشم همه‌ی مردم دنیا به این جنایتها کمک میکند، به خاطر واکنش عصبی آنها است از باطل شدن نقشه‌ای که با زحمت زیاد این نقشه را کشیده بودند. طوفان الاقصی یک چنین معجزه‌ای کرد. این طوفان الاقصی درست در وقت خود و در لحظه‌ی خود اتفاق افتاد. بنده البته نمیتوانم ادعا کنم که طراحان طوفان الاقصی آیا میدانستند که چه کار بزرگی را دارند انجام میدهند یا نه - من میدانم - اما واقعیت این است که این کاری که اینها انجام دادند، یک کاری بود که هیچ چیز دیگری نمیتوانست جای آن را بگیرد؛ اینها یک توطئه‌ی بزرگ بین‌المللی برای منطقه‌ی غرب آسیا را با عملیات طوفان الاقصی از بین بردند و باطل کردند. این، نقطه‌ی اول.

و اما نقطه‌ی دوم، که گفتیم عملیات طوفان الاقصی یک ضربه‌ی تعیین‌کننده به رژیم صهیونیستی بود، یک ضربه‌ای بود که قابل جبران نیست و رژیم صهیونیستی را در یک مسیری قرار داده است که انتهای آن مسیر جز اضمحلال و نابودی چیز دیگری نیست. درباره‌ی این بخش از قضیه زیاد صحبت کرده‌ایم؛ از اول وقوع طوفان الاقصی تا حالا، بارها درباره‌ی این مسئله صحبت کرده‌ایم؛ (۵) من امروز میخواهم از زبان دیگران در این باره حرف بزنم. نظرات خودمان را فعلاً میگذاریم کنار؛ من نظرات کسانی را عرض میکنم که از لحاظ جهت‌گیری و رویکرد با ما همراه نیستند.

همه‌ی تحلیلگران غربی، اعم از اروپایی، آمریکایی و حتی وابستگان به خود رژیم صهیونیستی معتقدند که در این عملیات، رژیم صهیونیستی با همه‌ی تظاهر و یال و کوپال، از گروه معدود مقاومت شکست سختی خورده است. آنها میگویند رژیم صهیونیستی هشت ماه بعد از طوفان الاقصی، با این همه تلاش، به هیچ‌کدام از هدفهای حداقلی خود هم نرسیده؛ این را تحلیلگران غربی میگویند. از این بالاتر، یک تحلیلگر غربی قضاوتش این است و این جور میگوید که طوفان الاقصی رویدادی است که میتواند تغییردهنده‌ی قرن بیست و یکم باشد؛ این تلقی یک تحلیلگر معروف غربی است - بنده نمیخواهم اسم آنها را بیاورم - یک تحلیل دیگر از یک تحلیلگر دیگر غربی میگوید: طوفان الاقصی جهان را تغییر خواهد داد. یک تحلیلگر امنیتی صهیونیست، مربوط به داخل خود رژیم صهیونیستی، [وقتی] میخواهد بگوید درون سران و مسئولان بالای رژیم صهیونیستی آشفتگی وجود دارد، سرگیجه وجود دارد و میدانند چه کار باید بکنند، این جور میگوید که اگر محتوای بحثها و اختلافات مقامات اسرائیل در رسانه‌ها منتشر شود، چهار میلیون نفر از اسرائیل خواهند رفت؛ مهاجرت معکوس؛ یعنی سرگیجه و آشفتگی و دستپاچگی در میان مقامات اسرائیل در یک چنین حدی است. توجه کنید! این خیلی مهم است. یک مورخ اسرائیلی میگوید: «پروژه‌ی صهیونیستی، نفسهای آخر خود را میکشد - این را یک تحلیلگر و مورخ صهیونیست میگوید - و ما در آغاز پایان رژیم صهیونیستی هستیم؛ ارتش در حفاظت از جامعه‌ی یهودی در جنوب و شمال اسرائیل شکست خورده است». ارتشی که ادعا میکرد جزو قوی‌ترین ارتشهای دنیا است در داخل سرزمین خود شکست خورده؛ از چه کسی شکست خورده؟ از یک دولت قوی؟ نه، از گروه‌های مقاومت، از حماس، از حزب الله؛ از اینها شکست خورده. طوفان الاقصی این است.

از همه‌ی اینها که بگذریم، آنچه در مقابل چشم ما است و داریم مشاهده میکنیم، [این است که] مسئله‌ی فلسطین



شده است مسئله‌ی اوّل دنیا؛ این خیلی مهم است. سالهای متمادی تبلیغات رسمی رسانه‌های وابسته‌ی به آمریکا و وابسته‌ی به مراکز صهیونیستی ثروتمند سعی‌شان این بود که کاری کنند که نام فلسطین و مسئله‌ی فلسطین بتدریج کم‌رنگ بشود و تدریجاً به فراموشی سپرده بشود، و مردم یادشان برود که یک چیزی هم به نام «فلسطین» وجود داشته! سالها سعی کردند و پول خرج کردند برای این کار، [اما] امروز علی‌رغم آنها، مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی اوّل دنیا است. در خیابانهای لندن، در میدانهای پاریس، در دانشگاه‌های آمریکا به نفع مردم فلسطین و علیه رژیم صهیونیستی شعار میدهند. آمریکا هم در مقابل اجماع جهانی ملت‌های دنیا ناچار دچار انفعال است و دیر یا زود مجبور خواهد شد دست خودش را از پشت رژیم صهیونیستی بردارد.

البته مصیبت‌های غزه، حوادث گریه‌آور غزه، [از جمله] حمله به مردم بی‌دفاع، کشتار نزدیک به چهل هزار نفر، کشتار حدود پانزده هزار یا بیشتر کودک – بعضاً نوزاد، بعضاً شیرخوار – این مصیبت‌ها وجود دارد؛ اینها هزینه‌هایی است که ملت فلسطین در راه نجات خود دارد این هزینه‌ها را میدهد، و [در عین حال] ایستاده است و مقاومت میکند و از حماسه‌سازان و مبارزان مقاومت دفاع میکند. ملت فلسطین با وجود همه‌ی این مشکلات و سختی‌ها، از مقاومت اعراض نکرد، روگردانی نکرد؛ از مقاومت دفاع میکند، به برکت ایمان اسلامی و اعتقاد به آیات قرآن؛ این خیلی مهم است.

واقع قضیه این است که رژیم صهیونیستی یک محاسبه‌ی غلطی کرد، یک تحلیل غلطی کرد از توانایی‌های جبهه‌ی عظیم مقاومت. امروز یک جبهه‌ی بزرگی در منطقه‌ی ما وجود دارد به نام «جبهه‌ی مقاومت»؛ این جبهه توانایی‌های زیادی دارد؛ رژیم صهیونیستی در فهم این حقیقت دچار اشتباه شد، دچار غلط شد. رژیم صهیونیستی به دست خودش، خود را در یک دالان بن‌بستی انداخت که شکست‌ها پشت سر هم و پی‌درپی به سراغش خواهند آمد و به حول و قوه‌ی الهی از این دالان راه نجاتی پیدا نخواهد کرد. امروز رژیم صهیونیستی در مقابل چشم مردم دنیا دارد بتدریج ذوب میشود، دارد تمام میشود؛ این را مردم دنیا دارند می‌بینند. البته در تبلیغات حرف می‌زنند، اما واقع قضیه این است؛ هم خودشان میدانند، هم بسیاری از سیاسیون دنیا میدانند، هم بسیاری از ملت‌ها این را می‌فهمند و هم ملت فلسطین این را فهمیده است. این راجع به مسئله‌ی اوّلی که گفتیم امروز می‌خواهیم بحث کنیم، [یعنی] مسئله‌ی فلسطین و طوفان الاقصی.

اما حادثه‌ی مهمّ دوّم، یعنی شهادت جان‌گداز رئیس‌جمهور مغتنم و عزیز و پُرکار و همراهان ایشان که این همراهان هم هر کدام به نوبه‌ی خود ارزشمند بودند؛ از آنهايي که بنده از نزدیک می‌شناختم، مرحوم آقای آل‌هاشم، امام‌جمعه‌ی فعال، مردمی و شایسته‌ی شهر تبریز، نماینده‌ی رهبری در استان مهمّ آذربایجان شرقی، با مردم، با جوانها، با دانشجویها، با هنرمندان، با ورزشکاران، با قاطبه‌ی مردم ارتباطات قلبی و دلی و کاری برقرار میکرد؛ حقیقتاً شخصیت ارزنده‌ای بود. مرحوم آقای امیرعبداللهیان، وزیر خارجه‌ی فعال، پُرکار، بابتکار، مذاکره‌کننده‌ی قوی؛ بنده صورت مذاکراتی را که ایشان میکرد در مواردی مشاهده میکردم؛ یک مذاکره‌کننده‌ی قوی و باهوش و پایبند به مبانی و اصول؛ اینها [کسانی بودند] که من از نزدیک می‌شناختم؛ دیگران هم، چه استاندار آذربایجان، چه برادر مأمور حفاظت رئیس‌جمهور، چه آن سه نفر عزیزی که مأمور پرواز بودند، همه‌ی اینها آن‌طوری که افراد آشنای به آنها می‌گویند، افراد شایسته و برجسته و مؤمنی بودند. فقدان اینها حقیقتاً یک خسارت بود برای کشور.

ما در مقابل مصیبت چه جور باید برخورد کنیم؟ این مهم است. من قبلاً بحث درباره‌ی این فقدان بزرگ را با این آیه‌ی



شریفه، نورانی کنم که میفرماید: وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ؛ ( ۶ ) به کسانی که در راه خدا کشته میشوند، مرده اطلاق نکنید ؛ اینها زنده‌اند. اطراف این آیه – چه قبل این آیه، چه بعد این آیه – بحثی از حرکت نظامی و جنگ و قتال و مانند اینها نیست ؛ [میفرماید] «فی سبیل الله». نمیشود ادعا کرد که معنای این «يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» کشته شدن در میدان جنگ است، چون هیچ قرینه‌ای بر این در این آیه وجود ندارد. در آیه‌ی سوره‌ی آل عمران – «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا» ( ۷ ) – چرا، آن آیه در ضمن مسائل جهاد است ؛ این آیه نه، مطلق است ؛ [میفرماید] هر کسی که در راه خدا کشته بشود. راه خدمت به مردم، راه خدا است ؛ راه کار جهادی برای مردم، راه خدا است ؛ راه اداره‌ی کشور اسلامی، راه خدا است ؛ راه پیشرفت نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است. آقای رئیسی عزیز و همراهانش، در راه پیشرفت کشور، در راه خدمت به مردم، در راه اعتلای جمهوری اسلامی کشته شدند، [لذا] مشمول این آیه‌اند ؛ اینها را اموات ندانید ؛ بَلْ أَحْيَاءٌ ؛ اینها زنده هستند ؛ همان تعبیری که در باب شهدا وجود دارد. بنابراین، اینها را ما «شهادت خدمت» میدانیم، همچنان که مردم گفتند ؛ از دل مردم جوشید این تعبیر «شهید جمهور» و «شهید خدمت» ؛ این خیلی با ارزش است. خب، این مصیبت جدّ مصیبت سنگینی بود برای کشور.

چند کلمه در باب خود رئیس جمهور فقیدمان عرض بکنم، چند کلمه هم در باب مردم و ملت‌مان که در این قضیه چه جوری برخورد کردند عرض بکنم. اینها درس است ؛ ما باید درس بگیریم از حوادث ؛ این حوادث برای ما درس است.

در باب خود رئیس جمهور عزیزمان – که رحمت خدا بر او باد – همه اعتراف کردند که مرد کار بود، مرد عمل بود، مرد خدمت بود، مرد صفا و صداقت بود ؛ این را همه اعتراف کردند. شب و روز نمی‌شناخت. در خدمتگزاری به کشور، یک نصاب تازه‌ای را به وجود آورد. ما قبلاً هم شخصیت‌های خدمتگزار داشته‌ایم، اما نه در این حد، نه با این حجم، نه با این کیفیت، نه با این صداقت، نه با این پُرکاری و شب و روز نشناختن ؛ یک نصاب جدیدی را آقای رئیسی ( رحمة الله علیه ) در باب خدمتگزاری به ملت ایجاد کرد. در مسائل خارجی، از فرصتها به بهترین وجهی استفاده کرد. این همه تحرک خارجی و سفر خارجی آثار ارزشمند و بابرکتی برای کشور داشت، هم برای امروز کشور، هم برای فردای کشور. ایران را در چشم رجال سیاسی دنیا بزرگ‌تر و برجسته‌تر کرد. انقلاب اسلامی را، ملت ایران را، در بیانات خود و در اظهارات خارجی خود، درست تعریف کرد و شناساند ؛ لذا رجال سیاسی‌ای که امروز درباره‌ی او حرف میزنند، از او به عنوان یک چهره‌ی برجسته حرف میزنند ؛ این برای ما که سالهای متمادی با مسائل خارجی سروکار داشتیم، چیز جدید و باارزشی است. سبک مدیریت او در بین همکاران خودش یک سبک ویژه‌ای بود، با صمیمیت همراه بود ؛ با همکارانش، با وزرا، با مدیران دولتی با صفا و صمیمیت رفتار میکرد. برای مردم، کرامت قائل بود، عزت قائل بود ؛ به مردم، به جوانها برای اظهار نظر میدان میداد ؛ حرمت مردم را نگه میداشت. به جوانها اعتماد میکرد، جوانها را تکریم میکرد. به کسانی که به خود او بدی کرده بودند، با کرامت برخورد میکرد ؛ به کسانی که حتی به او اهانت کرده بودند، پاسخ تند، پاسخ زشت، پاسخ عصبی نمیداد. متقابلاً در مرزبندی با دشمنان انقلاب صراحت داشت ؛ در مورد کسانی که با انقلاب بد بودند، مخالف بودند، دشمن بودند، دوپهلوی صحبت نمیکرد ؛ صریح صحبت میکرد، مرزبندی صریح داشت ؛ به لبخند دشمن اعتماد نمیکرد. اینها ارزش است، اینها درس است ؛ هر کدام از اینها برای سیاستمداران ما، برای رؤسای جمهور آینده‌ی ما، برای کسانی که در یک بخشی مورد اعتماد ملت قرار میگیرند، یک سرمشق است.

بعد از فقدان این عزیز، من دیدم تقریباً همه‌ی روزنامه‌ها، همه‌ی مطبوعات، در فضای مجازی، اشخاص گوناگون از



جریانهای مختلف، از خدمات او و تلاشهای شبانه‌روزی او حرف میزنند، از او تمجید میکنند، تعریف میکنند؛ دلم سوخت؛ دلم برای رئیسی سوخت؛ [بعضی از] اینها در زمان حیات او حاضر نبودند یک کلمه از این حرفها را بگویند؛ در زمان حیات او این برجستگی‌ها را میدیدند اما کتمان میکردند، بلکه عکس آن را میگفتند و او را می‌آزدند. البته او غالباً جواب نمیداد اما گاهی پیش من می‌آمد و مقداری شکایت میکرد. خدای متعال درجات این مرد عزیز و مغتنم را عالی کند؛ خداوند درجات همه‌ی کسانی را که با او همراه بودند عالی کند و به خانواده‌های آنها صبر عنایت کند. این راجع به شخص این عزیزان.

و اما راجع به مردم؛ به نظر من این فصل مربوط به مردم، فصل برجسته‌ای است؛ خب مصیبت سنگین بود. در مقابل مصیبت سنگین چه جوری برخورد میکنیم؟ در مقابل مصائب – چه مصائب شخصی، چه مصائب ملی – واکنشها چگونه است؟ یک واکنش این جوری است که انسان در مقابل مصیبت افسرده بشود، منزوی بشود، در واقع از مصیبت شکست بخورد، امید را از دست بدهد؛ این یک جور واکنش در مقابل مصیبت است. یک جور دیگر، یک واکنش دیگر در مقابل مصیبت این است که در برابر مصیبت ایستادگی کند – یعنی همان چیزی که در تعبیرات قرآنی به آن «صبر» گفته میشود؛ صبر یعنی ایستادگی در مقابل مصیبت – صبر کند؛ بلکه علاوه‌ی بر صبر، از مصیبت یک فرصت برای خود بسازد، حماسه بیافریند، از حادثه‌ی تلخ، نتایج شیرینی بگیرد؛ ملت ایران این دوّمی را انتخاب کرد. ملت ایران در مقابل این حادثه‌ی تلخ حماسه آفرید؛ این اجتماعات عظیم، این حماسه‌آفرینی فوق‌العاده‌ی ملت ایران در بدرقه‌ی این عزیزان، یکی از آن کارهای برجسته‌ی ملت ایران است.

ملت ما در طول سالهای انقلاب و پس از انقلاب، کارهای بزرگ زیادی انجام داده است؛ یکی از کارهای بزرگ همین است که در عزای عزیزان خود مثل شهید سلیمانی، مثل شهید رئیسی و دیگران، عزاداری او حماسه بود. این اجتماع میلیونی در تهران، در مشهد، در تبریز، در قم، در ری – دو روز پشت سر هم – در زنجان، در مراغه، در نجف‌آباد، در بیرجند، این اجتماعات عظیمی که مردم تشکیل دادند، این حماسه‌ها نشانه‌ی این است که این مردم از این جور مصیبت‌ها شکست نمی‌خورند بلکه استقامتشان، انگیزه‌شان بیشتر میشود.

این اجتماعات پُرشور پیامهایی داشت؛ یکی از پیامها همین بود که ملت ایران پُرانگیزه است، خسته‌نشو است، ایستاده است، زنده است، در مقابل حوادث گوناگون حضور خود را نشان میدهد، انگیزه‌ی خود را نشان میدهد. پیام دیگر اینکه میان مردم و مسئولان سطوح بالای کشور، ارتباطات و علاقه و دلبستگی عاطفی وجود دارد؛ درست عکس آنچه دشمن می‌خواهد تلقین کند. دشمنان مدام در بیرون گفتند، بعضی‌ها هم متأسفانه در داخل تکرار کردند «نظام جمهوری اسلامی سرمایه‌ی ملی خود را از دست داده»؛ نه، اینکه یک رئیس‌جمهوری از دست مردم گرفته بشود، مردم به صورت میلیونی بیایند داخل خیابان، این سرمایه‌ی ملی است. در هیچ نقطه‌ی دنیا چنین چیزی وجود ندارد.

این در هیچ نقطه‌ی دنیا، در هیچ کشور دیگری دیده نشده است. بعضی از رؤسای جمهور در کشورها بوده‌اند که مردم اینها را دوست میداشتند، در مرگ اینها هم مردم عزاداری کردند؛ بنده در یادم هست مواردی را؛ اما قابل مقایسه‌ی با آنچه در اینجا اتفاق افتاد نبود. اینجا مردم با این عظمت وارد میدان شدند؛ این بی‌نظیر است. در هیچ جای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. این، ارتباط مردم و مسئولین است؛ ارتباط مردم و سرداران است. حالا مسئله‌ی امام بزرگوار که از این مقوله‌ها خارج است؛ آنچه در رحلت امام بزرگوار پیش آمد، خارج از این مقوله‌ها است؛ آن یک حقیقت دیگری بود. اما همین مسئولین دم‌دست مردم، مثل سلیمانی، مثل رئیسی، مردم با اینها این جور رفتار



میکنند.

یک پیام دیگر در این اجتماعات این بود که مردم طرفدار شعارهای انقلابند؛ این را نمیتوانند کتمان کنند، چون مرحوم رئیسی (رضوان الله علیه) صریحاً شعارهای انقلاب را میداد، مظهر شعارهای انقلاب بود؛ مردم وقتی از او تمجید میکنند، به او احترام میکنند، در واقع دلبستگی خودشان به شعارهای انقلاب را نشان میدهند، چون او مظهر شعارهای انقلاب بود.

یک مطلب دیگر اینکه مردم قدردان خدمتگزاران خودشان هستند؛ این را مسئولین ما بدانند، توجه کنند. مسئولین خیال نکنند که اگر خدمتی کردند، این از یاد مردم خواهد رفت؛ نه، مردم می‌شناسند، می‌فهمند، قدردانند؛ این مشوق خدمت است. این مضامین مهمّ برخاسته‌ی از اجتماعات مردم، در معادلات سیاسی منطقه اثر خواهد گذاشت؛ اینها در تبیین قدرت منطقه و توزیع قدرت در منطقه اثر دارد؛ که تحلیلگران سیاسی بزرگ دنیا و رجال سیاسی دنیا نگاه کنند، ببینند این ملت ایران است؛ با این انگیزه، با این علاقه، با این حضور، با این آمادگی، با این پای کار بودن. این، واقعیت‌هایی از ایران و ایرانی را به دنیا منعکس میکند.

یک مطلب دیگر هم که آن هم مهم است، این است که کشور با [وجود] از دست دادن رئیس‌جمهور توانست آرامش و امنیت خود را به طور کامل حفظ کند.

خب، برادران و خواهران عزیز! عرایض من تمام شد. یک جمله در باب انتخابات عرض کنم. انتخاباتی که پیش روی ما است، کار بزرگی است؛ این انتخابات یک پدیده‌ی پُر دستاورد است؛ این انتخابات که در پیش روی ما است اگر ان‌شاءالله با خوبی و شکوه و عظمت برگزار بشود، یک دستاورد بزرگ برای ملت ایران است. [اینکه] بعد از این حادثه‌ی تلخ، مردم جمع بشوند با آراء بالا مسئول بعدی را انتخاب بکنند، انعکاس این در دنیا انعکاس فوق‌العاده‌ای است؛ لذا این انتخابات بسیار مهم است. این حماسه‌ی انتخابات، مکمل حماسه‌ی بدرقه‌ی شهیدان است؛ این کار مکمل کاری است که قبلاً در بدرقه‌ی شهیدان کردید. ملت ایران برای اینکه بتواند در معادلات پیچیده‌ی بین‌المللی، منافع خودش را حفظ کند و عمق راهبردی خودش را تثبیت کند و ظرفیتهای و استعدادهای طبیعی و انسانی خودش را به مرحله‌ی بروز و ظهور برساند و کام مردم را شیرین کند و همچنین بتواند حفره‌ها و رخنه‌های اقتصادی و فرهنگی را پُر کند، احتیاج دارد به یک رئیس‌جمهور فعال، پُرکار، آگاه و معتقد به مبانی انقلاب.

توصیه‌ی آخر بنده را هم گوش کنید: در این حرکت عظیمی که انجام میگیرد، در رقابتهای پیش روی انتخاباتی بین نامزدها، اخلاق حاکم باشد؛ بدگویی کردن، تهمت زدن، لجن‌پراکنی کردن، کمکی به پیشرفت کارها نمیکند، به آبروی ملی هم لطمه میزند. صحنه‌ی انتخابات صحنه‌ی عزّت و حماسه است، صحنه‌ی رقابت برای خدمت است، صحنه‌ی کش و واکش (۸) برای به دست آوردن قدرت نیست. برادرانی که وارد میدان مبارزه‌ی انتخاباتی و رقابت انتخاباتی میشوند، این را به عنوان یک وظیفه بدانند؛ آنها به وظیفه‌شان عمل کنند، خدای متعال هم دل‌های مردم را ان‌شاءالله هدایت خواهد کرد به بهترین گزینه و ان‌شاءالله یک رئیس‌جمهور شایسته‌ی برای ملت ایران تعیین خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



- ۱) در ابتدای این مراسم - که در جوار مرقد مطهر حضرت امام خمینی ( قدس سره) برگزار شد - حجت الاسلام سیدحسن خمینی ( تولیت حرم حضرت امام خمینی) مطالبی بیان کرد.
- ۲) اشاره به حادثه‌ی سقوط بالگرد حامل حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی ( رئیس جمهور)، آقای حسین امیرعبداللہیان ( وزیر امور خارجه)، حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل هاشم ( نماینده‌ی ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی)، آقای مالک رحمتی ( استاندار آذربایجان شرقی)، سرتیپ سیدمهدی موسوی ( فرمانده یگان حفاظت ریاست جمهوری)، سرتیپ دوّم خلبان سیدطاہر مصطفوی، سرتیپ دوّم خلبان محسن دریانوش و سرهنگ دوّم فتی بہروز قدیمی، که در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۳۰ در نزدیکی ورزقان استان آذربایجان شرقی رخ داد و منجر به شہادت آنها شد.
- ۳) صحیفه‌ی امام، ج ۲، ص ۱۳۰؛ پیام به حوزه‌های علمیہ‌ی قم، مشهد و تهران ( ۱۳۴۶/۱/۲۷ )
- ۴) صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۲۲۰؛ پیام به آقای میخائیل گورباچف ( ۱۳۶۷/۱۰/۱۱ )
- ۵) از جمله، بیانات در چهارمین مراسم مشترک تحلیف و دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ( ۱۴۰۲/۷/۱۸)، بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ( ۱۴۰۲/۸/۱۰)، و دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور به مناسبت هفته‌ی بسیج ( ۱۴۰۲/۹/۸ )
- ۶) سوره‌ی بقرہ، آیه‌ی ۱۵۴
- ۷) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۶۹؛ «هرگز کسانی را کہ [در راه خدا] کشته شده‌اند، [مردہ مپندار] ...»
- ۸) بگومگو، نزاع